

## زهرا مختاری

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

سیدعلی هاشمی خانباسی<sup>۱</sup>

استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری، ایران.

# بررسی نظریه کیفر قصاص در فقه و حقوق با استناد به آیات قصاص

## چکیده

یکی از قوانین کیفری اسلام قصاص است که به معنای استیفای اثر جنایت تبهکار است و در واقع کیفری است که متناسب با جنایت جانی بر او وارد می‌شود و این جنایت ممکن است به نفس یا اعضای بدن انسان وارد گردد. قصاص یکی از احکام کیفری در اسلام است که قرآن آن را مایه حیات جامعه می‌داند و در آیاتی از قرآن کریم به مسئله قصاص پرداخته شده است. تشریح حکم قصاص برای جلوگیری از انتقام‌های کور و دور از عدالت، همچنین برای جلوگیری از جرأت یافتن جنایت‌کاران در قتل یا ضرب و جرح شهروندان، وضع شده است. حیات اجتماعی سالم در گرو وجود امنیت و آسایش عمومی و رعایت حقوق و تکالیف متقابل است و آسایش عمومی، در گرو حفظ اصول و ارکان یک حیات اجتماعی است و حکم قصاص برای محافظت رکن مهم جامعه، یعنی جان افراد، در برابر جنایتکاران وضع شده است. در این مقاله سعی شده است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی آیات قرآنی قصاص از دیدگاه فقهی و حقوقی مورد واکاوی و بررسی قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: نظریه، کیفر قصاص، آیات قصاص، فقه و حقوق.

## مقدمه

حیات اجتماعی سالم در گرو وجود امنیت و آسایش عمومی و رعایت حقوق و تکالیف متقابل است و آسایش عمومی، در گرو حفظ اصول و ارکان یک زندگی اجتماعی است. در یک نگاه استقرایی و بدون تأکید بر حصر، عناصر اصلی یک حیات اجتماعی عبارت اند از: دین، جان، مال، احترام و شخصیت انسان (ناموس یا نسل) و خرد و عقل انسان ها. این اصول که از زمان غزالی به این طرف مورد توجه علما و فقهای اسلامی قرار گرفته است، در واقع زیر بنای یک جامعه سالم را تشکیل می دهند و با اجزا و زیر مجموعه هایی که دارد، می تواند کلیه مصالح معتبر و مهم جامعه را زیر پوشش قرار دهد (انصاری را، ۱۳۷۷: ۳۲). می توان گفت یکی از اهداف حقوق کیفری اسلام و چه بسا مهم ترین هدف آن از صد اسلام تا دوره های متعدد فقها؛ از متقدمین و متأخرین و معاصر، حفظ نظام اجتماعی و دینی است و این هدف بلند تأمین نمی شود، مگر این که انسان ها از طریق اصلاح و تربیت یا از طریق ارباب و ترس از مجازات، از ارتکاب اعمالی که ارکان نظام اجتماعی را خدشه دار می کند باز داشته شوند. یکی از موارد حقوق کیفری در اسلام، قصاص است که در این راستا آثار گرانسنگی به رشته تحریر در آمده است. اما جای این پژوهش برای یافتن پاسخ اغنا کننده پیرامون جایگاه قصاص و فلسفه وجودی آن در آموزه های قرآنی به عنوان منبع عظیم و عمیق فقه امامیه، چگونه است؟ در تمام اعصار باقی است. از منظر قرآن قصاص قانونی بسیار پیشرو و انسانی، چه در زمان ابلاغ آن، و چه در زمان ما است. مهم ترین دلیل وضع حکم قصاص در قرآن حفظ حیات جامعه دانسته شده است. یعنی هدف از قصاص اعدام نیست، هدف زندگی و حیات است؛ هدف ترمیم دوباره امور و بازگرداندن فرد یا جامعه به وضعیت عادی است. اگر کسی بدون دلیل و مستقل از اندام های رسمی جامعه اقدام به قتل نفس کند، حیات اجتماعی به مخاطره می افتد و قصاص برای تضمین حیات اجتماعی و فردی است. اصل قانون قصاص موجب بازدارندگی از وقوع جرم می شود، چرا که اگر کسی بداند در مقابل هر جرمی که مرتکب شود، قصاص و مقابله ای به مثل خواهد داشت، از ارتکاب جرم دوری می کند. مقاله حاضر موضوع قصاص را در یک ساختار نوین با روش کتابخانه ای با تکیه بر آیات قرآن و با رویکرد فقهی، مورد بررسی قرار می دهد.

## ۱- مفهوم قصاص

قصاص<sup>۱</sup> از ماده "قص" (بر وزن سد)، به معنی جستجو و پی گیری از آثار چیزی است و هر امری که پشت سر هم آید عرب آن را "قصه" می گوید و از آنجا که قصاص، قتلی است که پشت سر قتل دیگری قرار می گیرد این واژه در مورد آن به کار رفته است. قصاص در لغت فارسی به معنای مجازات، عقاب، سزا، جبران، تلافی و رفتار با فاعل مثل آنچه او مرتکب شده، یا معامله به مثل آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۴۱). در فرهنگ المنجد آمده است: «القصاص، الجزاء علی الذنب، ان یفعل بالفاعل مثل ما فعل»؛ یعنی قصاص، کیفر گناه را گویند، با مرتکب جنایت آن شود که با دیگری کرده است. «طریحی در مجمع البحرین در رابطه با لغت قصاص گفته است: «القصاص بالكسر اسم لاستیفاء و المجازاة قبل الجنایة من قتل او قطع او ضرب او جرح و أصله اقتفاء الاثر فکان المقتص یتبع أثر الجانی فیفعل مثل فعله»؛ یعنی گرفتن حق و کیفر دادن جنایتکار را در برابر قتل یا بریدن یا ضرب و جرح، قصاص گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰: ۵۴۵). اصل این کلمه از ردیابی و پیگیری است، مثل این است که قصاص کننده جنایتکار را تعقیب کرده و او را به کیفر پاداش می رساند. در اصطلاح فقهی، قصاص پیگیری و دنبال نمودن اثر جنایت است. به گونه ای که قصاص کننده عین عمل جانی را نسبت به او انجام دهد. به عبارت دیگر، قصاص انجام عملی مثل عملی است که فاعل آن انجام داده است.

## ۲- پیشینه تاریخی قصاص

قتل نفس<sup>۲</sup> اولین جرمی است که از دیدگاه قرآن در زمین واقع شده که از خوی تجاوزگری و خودمحوری انسان حاکی است و این عمل در همان زمان هم جرم و گناه بوده است (سوره مائده آیات ۲۷ و ۳۲) بنابراین اگر از ابتدای حیات انسان قتل و ضرب و جرح بعنوان یک تهدید جدی برای زندگی او به حساب آمده، باید قبول کنیم که انسان از ابتدا، دفاع از خود را یک حق دانسته و در مقابل این تهدید از خود عکس العمل نشان داده است عکس العمل انسانها در برابر این جرم در همه ادوار تاریخ متناسب با سطح آگاهی، فرهنگ و رشد عقلانی آنها متفاوت و متغیر بوده است (امامی، ۱۳۴۰: ۱/ ۱۴۵) ولی بنظر

<sup>۱</sup> Nemesis

<sup>۲</sup> Manslaughter

می‌رسد مقابله به مثل اولین عکس العمل باشد که به صورت طبیعی مورد توجه انسان واقع شده با این تفاوت که این مقابله هیچ حد و مرزی نداشته، لذا در الواح دوازده گانه روم و در مجموعه قوانین حمورابی و در شریعت حضرت موسی و عیسی قصاص وجود داشته و مورد قبول بوده است و در اسلام هم اصل قصاص با شرایطی مورد پذیرش قرار گرفته است در قرآن آیات زیادی وجود دارد که ناظر به اصل قصاص می‌باشند البته این آیات دو دسته هستند که دسته اول به اصل مقابله به مثل به صورت کلی دلالت دارند و دسته دوم آیاتی که مستقلاً به خود مسئله قصاص مربوط می‌شود. در قوانین جزایی قبل از انقلاب مجازات قتل عمد، اعدام بود که در ضمن ماده ۱۷۰ بیان شده بود و صدمات عمدی جسمانی به موجب مواد ۱۷۲ و ۱۷۳ قانون مجازات عمومی دارای مجازات حبس بود ولی در سال ۱۳۶۱ مجازات قتل عمدی، قطع عضو و جرح عمدی را قصاص تعیین کردند. (ق.م.ا، ۱۳۹۲)

### ۳- ماهیت قصاص

برای تشخیص حق از حکم از سوی صاحب نظران اسلامی ملاک‌ها و ضوابط مختلفی ارائه شده برخی عقیده دارند برای تشخیص باید به آثار آن توجه کرد چنانچه این آثار قابل نقل و انتقال باشد این سلطه و توانایی حق است و در غیر اینصورت حکم است و برای تشخیص علاوه بر معیار فوق باید به امر دیگر که همان مفاد ادله است توجه کرد چون حق و حکم هر دو نتیجه ادله شرعی و قانونی است گاهی ادله بیانگر این معنی است که اراده شخص در نتیجه حاصل از آنها تأثیری ندارد و در اینصورت این نتیجه حکم است و در غیر اینصورت حق است و با توجه به اینکه قصاص از شئون و اختیارات من له الحق است (آشوری، ۱۳۹۵: ۲۱۱) و شارع مقدس در قصاص حکم به جواز آن نکرده بلکه جعل سلطنت از برای صاحبان حق کرده است لذا می‌توان گفت که قصاص از مصادیق حق است و قصاص یک حق غیرمالی است چون با اجرای آن نفع مادی و قابلیت تقویم به پول برای اولیای دم از بین می‌رود و حقی است که قابل اسقاط است و از حق الناس است.

### ۴- قصاص در قرآن کریم

در قرآن کریم آیات گوناگونی وجود دارند که بر اصل قصاص دلالت می‌کنند. آیاتی هستند که به اصل مقابله به مثل به صورت کلی دلالت دارند که یکی از مصادیق آن مقابله

به مثل در امور کیفری و جنایی است. این آیات عبارت‌اند از: «و جزاء سیئه سیئه مثلها... و لمن انتصر بعد ظلمه فاولئك ما علیهم من سبیل؛» (شوری؛ ۴۰ و ۴۱). (آخوندی، ۱۳۹۰: ۱ / ۸۶).

جزای هر بدی، بدی است همانند آن ... بر کسانی که پس از ستمی که بر آن‌ها رفته باشد انتقام می‌گیرند، ملامتی نیست. «و ان عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به و لئن صبرتم لهو خیرٌ للصّابرين؛» (نحل؛ ۱۲۶) اگر عقوبت می‌کنید، چنان عقوبت کنید که شما را عقوبت کرده‌اند. و اگر صبر کنید، صابران را صبر نیکوتر است.

«فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم؛» (بقره؛ ۱۹۴) پس هر کس بر شما تعدی کند به همان اندازه تعدی‌اش بر او تعدی کنید.

آن چه از مجموع این آیات و برداشت فقها و مفسرین به دست می‌آید آن است که بدی را می‌توان با آن چه مانند آن است پاسخ داد و شخصی که مورد بدی قرار گرفته، مجاز است همان گونه که با او عمل شده است رفتار کند و در این صورت هیچ مسئولیتی متوجه او نیست. یکی از روشن‌ترین مصادیق اعتدا و بدی کردن در مورد دیگران، کشتن و ایراد ضرب و جرح است و به استناد این آیات می‌توان گفت، قصاص این جرایم توسط مجنی علیه یا اولیای او مجاز و ممکن است. شیخ طوسی در ذیل آیه «جزاء سیئه سیئه مثلها» (شوری؛ ۴۲) می‌گوید:

احتمال دارد که مراد از این آیه همان حکم قصاص باشد که در سوره مائده آیه ۴۸ آمده است، لذا مجنی علیه می‌تواند با جانی همان کند که با او کرده است بدون زیادی. (آقوردی، ۱۳۷۰)

همچنین خداوند متعال در قرآن کریم در مورد حکم قصاص و مسائل دیگر آن می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد و الأثنی بالأثنی فمن عفی له من أخیه شیء فاتباع بالمعروف و أداء إلیه بإحسان ذلک تخفیف من ربکم و رحمة فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب ألیم، و لکم فی القصاص حیاة یا أولى الألباب لعلکم تتقون» (بقره/آیه ۱۷۸-۱۷۹) (ای افرادی که ایمان آورده‌اید، حکم قصاص در مورد کشتگان بر شما نوشته شده است، آزاد در برابر آزاد و برده در برابر برده و زن در برابر زن، پس اگر کسی از ناحیه برادر دینی خود مورد عفو قرار گیرد و حکم قصاص او تبدیل به خونبها

گردد (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۴: ۵۴۵)، باید از راه پسندیده پیروی کند و در طرز پرداخت دیه، حال پرداخت کننده را در نظر بگیرد و قاتل نیز به نیکی دیه را به ولی مقتول بپردازد و در آن مسامحه نکند، این تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما و کسی که بعد از آن تجاوز کند عذاب دردناکی خواهد داشت و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است ای صاحبان خرد، تا شما تقوی پیشه کنید. که حکم قصاص با نزول این آیه برای مسلمین محرز شده است.

#### ۵- بررسی قصاص در مباحث فقهی

قصاص اصطلاحی فقهی و به معنای مجازات مجرم، به تناسب جرم<sup>۱</sup> است. بشر در زمان‌های قدیم برای مجازات مجرمان حدی قائل نبود و ارتکاب جرم ناچیزی کافی بود تا در حق مجرم، مجازات نامحدودی اعمال شود. در شرایع الهی و ادیان آسمانی، قانون قصاص وضع شد که به موجب آن مجازات مجرم متناسب با جرم انجام شده مقرر گردید. اصل قانون قصاص موجب بازدارندگی از وقوع جرم می‌شود، چرا که اگر کسی بداند در مقابل هر جرمی که مرتکب شود، قصاص خواهد داشت، از ارتکاب جرم دوری می‌کند. به همین دلیل قرآن کریم می‌فرماید: «ولکم فی القصاص حیره یا اولی الالباب» (بقره/ ۱۷۹) ای صاحبان خرد، قصاص برای شما موجب حیات و زندگی است. قرآن کریم در آیات متعددی به اهمیت تداوم حیات برای تمام انسان‌ها فارغ از خصوصیات نژادی، جنسیتی، طبقه‌ای و اعتقادی تأکید داشته و با اعلام اصل حرمت جان همه انسان‌ها، تنها موارد خاصی را که قرین دلایل عقلی و موجه هستند از کلیت یاد شده (مجازات قصاص) مستثنی دانسته است (ق.م.ا، ۱۳۰۴). بر اساس فقه جزایی اسلام مسلم است که در جرایم عمدی بر ضد تمامیت جسمانی انسان به طور مطلق (فارغ از جنسیت و تعدد جانی و مجنی‌علیه)، ولی دم یا مجنی‌علیه حسب مورد حق قصاص دارد؛ اما این بحث همواره از گذشته در فقه جزایی اسلام مطرح بود که در مواردی امکان دارد ولی دم یا مجنی‌علیه به دلایلی نخواهد قصاص کند؛ مثل اینکه ولی دم به جهت اینکه سرپرست او از دست رفته، بیشتر نیازمند سرمایه‌ای برای اداره زندگی خود باشد تا قصاص و یا کسی که دست

یا پایش قطع شده، نیازش به یک سرمایه برای حفظ زندگی خود مهم‌تر از اعمال حق قصاص باشد. در بررسی این مسئله دو نظریه بین فقهای اسلامی وجود دارد.

• **نظریه تعیینی بودن حق قصاص:** درباره جنایت عمدی بر ضد تمامیت

جسمانی انسان به طور مطلق (فارغ از جنسیت و تعدد جانی و مجنی‌علیه) بیشتر قریب به اتفاق اندیشمندان فقه امامیه بر این باور هستند که مجازات اصلی آن تنها قصاص است، نه یکی از دو گزینه قصاص و دیه (آخوندی، ۱۳۹۰: ۸۶/۱). هر چند که ولی دم یا مجنی‌علیه می‌تواند مجرم را مجانی یا در مقابل دریافت دیه عفو نماید یا در مواردی به دلیل عدم امکان قصاص این مجازات به دیه تبدیل می‌گردد؛ اما این دیه بدل از قصاص است و مجازات اصلی شمرده نمی‌شود و به معنای تخییر نمی‌باشد.

طرفداران این نظریه برای اثبات نظریه خود به ادله زیر استناد کرده‌اند:  
آیات: از جمله مستندات این نظریه آیاتی از قرآن کریم است که دلالت بر تعیینی بودن حق قصاص دارد و این آیات عبارتند از:

**الف):** و بر آنها (بنی اسرائیل) در آن (تورات) مقرر داشتیم که جان در مقابل جان و چشم در مقابل چشم و بینی در مقابل بینی و گوش در مقابل گوش و دندان در مقابل دندان می‌باشد و هر زخمی قصاص دارد.

**ب):** ای افرادی که ایمان آورده‌اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد و برده در برابر برده و زن در برابر زن. پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود، (حکم قصاص او، تبدیل به دیه گردد) باید از راه پسندیده پیروی کند و او (قاتل) نیز، به نیکی دیه را بپردازد.

**ج)** و تمام حرام‌ها (قابل) قصاص است و هر کس به شما تجاوز کند، همانند آن بر او تعدی کنید. (آشوری، ۱۳۹۵: ۲۱۱/۱)

به این بیان که آیات مذکور ظهور در این آموزه دارند که مجازات جرایم عمدی بر ضد تمامیت جسمانی انسان، قصاص است. از این رو ادعای وجود حقی دیگر در عرض حق قصاص برای ولی دم یا مجنی‌علیه، به معنای دست برداشتن از ظاهر آیات است و حال آنکه بدون دلیل نمی‌توان از ظهور آیات دست برداشت.

به نظر می‌رسد آیات مذکور نظریه تعیین را تأیید نمی‌کنند و نیز با نظریه تخییر مخالفتی ندارند؛ منتهای دلالت آیات این است که قصاص، مجازات جرم عمدی بر ضد تمامیت جسمانی است؛ اما اینکه مجازات قصاص تنها گزینه پیش روی ولی دم یا مجنی علیه است و یا اینکه گزینه دیگری برای انتخاب وجود دارد؟ باید گفت: آیات مذکور در این باره ساکت است. حتی امکان دارد گفته شود که آیه ۱۷۸ سوره بقره مؤید نظریه تخییر است؛ زیرا می‌فرماید: «فمن عفی له من اخیه شیء فاتباع بالمعروف و اداء الیه باحسان». (زراعت، ۱۳۷۹: ۱/ ۱۱۵)

در این آیه شریفه گزینه دیگری پیش روی دارنده حق قصاص گذاشته شده است و آن عفو از قصاص در مقابل دریافت دیه است که به عفو کننده دستور می‌دهد در این کار شایسته ی خود، از معروف تبعیت کند و به مجرم دستور می‌دهد در برابر این عمل عفو کننده به شایستگی بدل قصاص که دیه باشد را بپردازد. به دیگر بیان، این آیات ظهور در حصر و عدم دیه مگر به رضایت مجرم ندارند.

• **نظریه تخییر:** نظریه دیگر در این مسئله، تخییر است. بر اساس عقیده ابن جنید

و ابن ابی عقیل در فقه امامیه مجازات جرم بر ضد تمامیت جسمانی، قصاص یا دیه است و ولی دم یا مجنی علیه حسب مورد بین انتخاب یکی از آن دو مخیر است. به دیگر بیان، این دو مجازات در عرض یکدیگرند، نه در طول هم.

مهم‌ترین مستند این نظریه نزد امامیه از حیث روایات روایت صحیح عبدالله بن سنان و روایت دوم صحیح عبدالله بن سنان و موثق ابن بکیر است که در این باره نیز گفته اند: هر چند ظاهر این دو روایت تخییر است (ق.م.ا، ۱۳۶۱)؛ اما به لحاظ معارض بودن آنها با روایت عبدالله بن سنان (مذکور در مستندات نظریه تعیین)، روایت اخیر عبدالله بن سنان بر آن دو روایت مقدم است؛ چراکه این روایت موافق آیات و مخالف نظر اهل سنت می‌باشد. لیکن آیات مورد ادعا هیچ دلالتی بر مدعا ندارند، از این رو نمی‌توانند مرجح روایت عبدالله بن سنان (مذکور در مستندات نظریه تعیین) در مقام تعارض آن با دو روایت صحیح دیگر در نظریه تخییر باشند. علاوه بر این، همان طوری که گذشت، نظریه تعیین نیز بین اهل سنت طرفداران زیادی دارد؛ پس نمی‌توان گفت که روایات تعیین مخالف نظریه اهل سنت است و این مخالفت مرجح می‌باشد.



### • نظریه شحرور:

در نگاه وی آیات ۶ فاتحه، ۱۶۱ و ۱۵۳ انعام، و ۱۱۸ صافات بیانگر ویژگی «استقامت» است و آیات ۷۹ و ۱۶۱ انعام، ۳۰ روم، ۵ بینه، ۳۱ حج و ... نشان از خصوصیت حنیفیت دارد. واژه «حنیف» از حنف مشتق شده است و حنف در عربی میل و انحراف است و در مورد پا به کار می‌رود: "و الحنف اعوجاج فی الرجل الی الداخل" کلمه «استقامت» از قوم گرفته شده و در لغت عربی این واژه دو معنا دارد: (انصاری راد، ۱۳۷۷: ۳۲) ۱- گروهی از مردم ۲- انتصاب یا عزم، که در انتصاب ویژگی استقامت نهفته است و در برابر آن انحراف قرار دارد و در عزم خصوصیت دین قیم جای گرفته است. بر این اساس در آیه «قُلْ إِنِّي هِدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام/۱۶۱) عزم دین و قوت و سیطره آن به این دو صفت (استقامت و حنیفیت) آمده است و قوت دین اسلام به استقامت و حنیفیت آن است. لغت شناسان حد را «الفصل بین الشیئین» معرفی می‌کنند و بر این اساس کیفر انجام برخی محرمات در شریعت اسلام، حد نامیده شده است زیرا این کیفر فرد را از انجام فعل حرام باز می‌دارد و میان فرد و کار حرام فاصله می‌اندازد. تفسیرگران قرآن نیز به فرائض و مقادیری که خداوند برای ورثه در نظر گرفته است، حدود می‌گویند بنابراین هیچ یک از دو معنای یاد شده با معنای مورد نظر شحرور سازگار نیست، در نگاه شحرور، همان گونه که اشاره شد، حدود عبارت است از، تعدد حکم در فعل واحد به گونه‌ای که میان حد ادنی و حد اعلی در نوسان باشد یعنی نمی‌توان از حد ادنی کاست و بر حد اعلی افزود اما در میان آندو بر اساس زمان، مکان، شرایط، مصالح فردی و اجتماعی ... می‌توان کم یا زیاد کرد افزون بر این فهم شحرور از دو واژه «استقامت» و «حنیفیت» نیز با معنای لغوی و کاربرد قرآنی این دو واژه در قرآن ناسازگار می‌نماید. چه این که آیاتی چون «قُلْ إِنِّي هِدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» (انعام/۱۶۱) و «حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ» (حج/۳۱) ... که در آن واژه حنیف و حنیفیت به کار رفته است و آقای شحرور از آنها در اثبات نظریه خویش بهره می‌برد، سخن از اعتقاد، دین و نکوهش مشرکین است و هیچ ارتباطی به احکام شرعی که آقای شحرور مدعی آن است ندارد (۳). آیات یاد شده مشرکان را به توحید و نفی چند

خدایی دعوت می‌کند و خواهان بازگشت ایشان به فطرت الهی و عقل است بنابر این حنیف نقیض شرک است و با احکام شرعی بی ارتباط می‌نماید .

#### • نظریه قصاص اعضا و جوارح

گر فردی عضو فرد دیگری را از بین ببرد در این صورت اگر وسیله جنایت به گونه‌ای باشد که در اکثر موارد به قتل می‌انجامد، فرد قاتل باید قصاص گردد و اگر وسیله جنایت معمولاً باعث از میان رفتن عضو نمی‌گردد اما در این مورد باعث از بین رفتن شده است قصاص جانی در صورتی روا است که به عمد چنین کاری کرده باشد.

به باور برخی از فقها، آیات شریفه ذیل دلالت بر جواز قصاص در اعضا و جوارح دارد:

« وَكُنْتُمْ عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ » (مائده/۴۵)(۱)

« فَمَنْ أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ » (بقره/۱۹۴)(۱)

« وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ » (نحل/۱۲۶)(۱)

در برابر این گروه برخی از نویسندگان دلالت آیات یاد شده بر جواز قصاص در پایین تر از نفس را بر نمی‌تابند. به باور این گروه آیه شریفه « وَكُنْتُمْ عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ... » (مائده/۴۵) خطاب به بنی اسرائیل است نه مسلمانان بنابر این حکم مسلمانان را بیان نمی‌کند.

آیه دوم « فَمَنْ أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ... » (بقره/۱۹۴) نیز ناظر به قصاص پایین تر از

نفس نیست؛ بلکه بیانگر چگونگی برخورد مسلمانان با کفار است.

آیه سوم « وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ... » (نحل/۱۲۶) و « وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا » (شوری/۴۰)

نیز در مقام دفع آزار از نفس و مقابله به مثل است نه بیان عقوبت پایین تر از نفس. (آقوردی، ۱۳۷۰،)

#### • نظریه نابرابری قصاص زن و مرد

مشهور فقیهان شیعی در مسئله قصاص زن و مرد براین عقیده‌اند که مرد در برابر مرد وزن در برابر زن قصاص می‌شود؛ چنانکه اگر زنی مردی را بکشد، قصاص می‌شود، لیکن اگر مردی زنی را بکشد، نمی‌توان مرد را قصاص کرد، مگر این که اولیای زن نصف دیه انسان را به مرد پرداخت کنند. فقیهان اهل سنت معتقدند که مرد در برابر زن قصاص

می‌شود و لازم نیست چیزی پرداخت شود. اینان این نظریه را از امام علی (ع) و ابن مسعود نقل کرده‌اند. به هر حال دلایل فقیهان شیعی در این دیدگاه آیه شریفه زیر می‌باشد:

آیه ۱۷۸ از سوره بقره، یعنی ﴿وَالْأَنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ﴾؛ این آیه اطلاق دارد و با صراحت، بر برابری میان زن و مرد، برده و آزاد، مسلمان و کافر دلالت می‌کند؛ چنان که نسبت به ملیت، رنگ و نژاد اطلاق دارد. این اطلاق و صراحت در دلالت، با مذاق شریعت و جهت‌گیری کلی کتاب و سنت در مساوات و برابری انسانها تأیید می‌گردد.

#### ۶- بررسی قصاص در مباحث حقوق

قانون‌گذار سال ۱۳۶۱ در ماده (۹) قانون راجع به مجازات اسلامی و در مبحث قتل عمدی در تعریف قصاص مقرر می‌دارد: «قصاص، کیفری است که جانی به آن محکوم می‌شود و باید با جنایت او برابر باشد.» تعریف قانون‌گذار از قصاص به لحاظ عدم انطباق با مفهوم فقهی آن مورد ایراد قرار گرفته است. زیرا اولاً محکومیت از لوازم قصاص است و برابر بودن آن با جنایت، شرط آن است نه خود آن. شرایط شیء را نباید در تعریف آن شیء آورد. زیرا شرایط هر شیء از خود آن شیء متأخر است. ثانیاً طبق فتوای مشهور فقها، اولیای دم، بدون مراجعه به حاکم خود می‌توانند تحت شرایطی جانی را قصاص کنند. تعریف ارائه‌شده در قانون، شامل این مورد نمی‌شود. ثالثاً استعمال کلمه «باید» که حکایت از تأکید اراده گوینده است و وجه انشائی است، در وضع قانون معمول و بلاشکال است، ولی در تعریف، که وجه اخباری است معمول نیست. رابعاً کلمه «برابر» کلمه ای نارسا برای ادای مطلب است. قانون‌گذار سال ۱۳۷۰ اگرچه در مبحث قتل عمدی برخلاف قانون سال ۱۳۶۱، از تعریف قصاص خودداری کرده است، لیکن در مبحث کلیات و در ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی همان تعریف را پذیرفته و مقرر کرده است: (ق.م.ا، ۱۳۹۲) «قصاص کیفری است که جانی به آن محکوم می‌شود و باید با جنایت او برابر باشد.» در خاتمه با توجه به ایراداتی که بر تعریف قانونی قصاص وارد است، و با لحاظ تعریف فقهی و لغوی قصاص می‌توان گفت که قصاص عبارت است از استیفاء اثر جنایت. به عبارت روشن‌تر، قصاص کشتن یا ایراد جراحی بر جانی معادل جنایت وارده است. اگرچه قصاص مجازات اصلی و اولیه برای جرایم علیه اشخاص است، اما اثبات این مجازات منوط به وجود شرایطی است که در مواد مختلف «قانون مجازات اسلامی» به آنها اشاره

شده است. بر اساس ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قصاص در صورتی ثابت می شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد و مجنی علیه، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد. در زیر به شرح و بسط هر یک از شرایط مذکور خواهیم پرداخت. (کرمی، ۱۳۷۷: ۸۵)

### • تساوی در دین

مستند این برابری آیه ۱۴۱ از سوره ی نساء است که خداوند می فرماید: (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا). هیچ گاه خداوند راهی برای پیروزی و تسلط کافران بر مسلمانان قرار نداده است.

شهید اول (ره) برای عدم تسلط کفار بر مؤمنان از نظر حقوقی و حکمی چنین استدلال کرده است: خداوند برای کافران سلطه ای بر مؤمنان قرار نداده است. مسلمان به واسطه ی کشتن کافر، کشته نمی شود. و بر خی گفته اند اگر به کشتن اهل ذمه عادت کرده باشد پس از رد کردن مقدار زاید دبه او، قصاص می شود. (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۹۵).

بنا بر ماده ۳۰۱ «قانون مجازات اسلامی» مصوب سال ۱۳۹۲ نیز، تساوی در دین از جمله شرایط ثبوت قصاص است. و در تبصره اضافه کرده است که: چنانچه مجنی علیه مسلمان باشد، مسلمان نبودن مرتکب مانع قصاص نیست. علاوه بر ماده ۳۰۱، که بدان اشاره شد، ماده ۳۱۰ نیز، در مورد ارتکاب جنایت بین افرادی که در دین مساوی نمی باشند است و اشعار دارد، «هرگاه غیر مسلمان مرتکب جنایت عمدی بر مسلمان، ذمی، مستأمن یا معاهد شود، حق قصاص ثابت است. در این امر تفاوتی میان ادیان، فرقه ها و گرایش های فکری نیست. اگر مسلمان، ذمی، مستأمن یا معاهد بر غیر مسلمان که ذمی، مستأمن و معاهد نیست جنایتی وارد کند قصاص نمی شود. در این صورت، مرتکب به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می شود. (ق.م.ا، ۱۳۹۲)

### • تساوی در عقل

عقل و بلوغ از شرایط تکلیف در اسلام است از آنجا که عقل مهم ترین ویژگی انسان است و در واقع حد فاصل بین او و حیوانات می باشد، انسان عاقل و انسان دیوانه را نمی توان همسنگ دانست چون تفاوت بین آن ها فاحش است. در امور کیفری، اطفال و مجانین از کیفر قصاص معاف هستند. در اطفال به سبب اینکه قوه ی ادراک قابل تصور

نیست در صورت ارتکاب جرم، مسئولیت کیفری متوجه آن ها نمی شود. این مسئله در ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره شده است. اطفال در صورت قتل شخص بالغ قصاص نمی شوند اما بالعکس آن صادق نیست چرا که با شرایط عمومی ثبوت قصاص در تعارض است. طبق ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، هر گاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه ی تمییز باشد مجنون محسوب می شود و مسئولیت کیفری ندارد.

#### • ائتفاء در ابوت

شرط سوم اجرای حکم قصاص این است که رابطه پدر و فرزندی میان قاتل و مقتول وجود نداشته باشد. یکی از عواملی که در مسئله قتل فرزند به دست پدر مطرح است، مسئله حرمت پدر است و شاید تخفیف مجازات او نیز به همین جهت باشد. باید توجه داشت که استیفای حقوق فرزند و حفظ شادابی و نشاط او جز در سایه خانواده های مستحکم، شاداب، با نشاط و سرشار از مهر و عطوفت تحقق نخواهد یافت (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۹۵). از همین رو اسلام به تقویت پایه های بنیان خانواده اهمیت فراوانی می دهد و مسلمین را به آنچه موجب گرمی کانون خانواده می شود تشویق می کند و از هر چه فضای خانواده را تاریک نماید، بر حذر می دارد.

#### ۸- موانع موقت قصاص در حقوق کیفری

عواملی وجود دارد که باعث می شود قصاص به صورت موقت اجرا نشود. منظور از موانع اجرای قصاص عواملی هستند که اجرای قصاص را به طور موقت با مانع مواجه می سازند. اهم این موارد در قانون مجازات اسلامی دو مورد است: باردار بودن زن محکوم به قصاص و فرار جانی. هر گاه زنی که محکوم به قصاص است، حامله باشد؛ اعم از اینکه پس از ارتکاب جنایت یا قبل از آنباردار شده و اعم از این که حمل او مشروع یا ناشی از زنا باشد، اجرای قصاص علیه وی معوق می شود (کرمی، ۱۳۷۷: ۸۵). در صورت فرار جانی مستحق قصاص هم، اجرای قصاص تا زمانی که به او دسترسی پیدا نشود، با مانع مواجه خواهد شد. قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۳۴ دیه جنایت جانی را که می میرد یا به گونه ای فرار می کند که دسترسی به وی ممکن نیست، در خصوص قتل عمد از مال

خود یا نزدیکانش و یا از بیت المال و در غیر قتل از بیت المال قابل پرداخت دانسته اند. بدین ترتیب فرار مرتکب مانع اجرای قصاص تا زمان دسترسی به او می‌باشد.

### ۹- سقوط قصاص در حقوق کیفری

سقوط مجازات به معنی آنست که علی‌رغم تحقق و ثبوت مجازات به خاطر عارض شدن عواملی مانند فوت محکوم علیه و گذشت شاکی خصوصی مجازات در مورد مجرم اجراء نشده و ساقی می‌گردد. مجازات قصاص در مورد جرم قتل و ضرب و جرح عمدی در حقوق کیفری اسلام مورد پذیرش قرار گرفته است. این مجازات از جمله حقوق الناس بوده و قابل اسقاط از طرف مجنی علیه یا اولیاء دم می‌باشد. در دین مبین اسلام همواره بر برتری و فضیلت عفو و گذشت بر قصاص و انتقام در آیات قرآن کریم و روایات وارده از ائمه معصومین تاکید شده است. سقوط قصاص به معنی این است که بعد از ثبوت جرم قتل و ضرب و جرح عمدی به خاطر عارض شدن عواملی مانند عفو و گذشت مجنی علیه یا اولیاء دم و صلح، قصاص اجرا نشد و ساقی می‌گردد (آخوندی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۸۶). عفو، صلح، فوت جانی، رجوع شهود از شهادت از جمله عوامل مشترک ساقش کننده قصاص نفس و عضو می‌باشند. تعارض اقرار، ارث قصاص و اثبات قتل بر دو متهم با بینه از عوامل خاص ساقط کننده قصاص نفس می‌باشند. در قصاص عفو نیز تحقق شرایطی برای اجرای آن لازم می‌باشد که در صورت فقدان این شرایط قصاص ساقط شده و تبدیل به دیه می‌گردد این شرایط عبارتند از: ۱- تساوی اعضا در سالم بودن ۲- تساوی در اصلی بودن اعضا ۳- تساوی اعضا در محل عضو مجروح یا مقطوع ۴- تساوی در مقدار جنایت وارد شده ۵- قصاص موجب تلف جانی یا عضو دیگر نباشد.

### نتیجه گیری

در دین مقدس اسلام اصل قصاص با شرایطی مورد پذیرش و تأیید قرار گرفته است. در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که ناظر به اصل قصاص است. دسته ای از آیات به اصل «مقابله به مثل» به طور کلی دلالت دارند که یکی از مصادیق آن مقابله به مثل در امور کیفری و جنایی است. از مجموع آیات قرآن استفاده می‌شود که بدی را می‌توان با آنچه که مانند آن است پاسخ داد و معتدی علیه مجاز است همان گونه که با او عمل شده است

رفتار کند و در این صورت مسئولیتی متوجه او نخواهد بود. یکی از مصادیق بارز بدی کردن در مورد دیگران کشتن و ایراد ضرب و جرح است. مهم‌ترین هدف تشریح قصاص، ابقای زندگی و حیات بشر است. ثبوت و اجرای کیفر قصاص منوط به وجود شرایطی است که فقدان هر یک از آنها می‌تواند مانع اجرای قصاص گردد. در شریعت مقدس اسلام، اگرچه «اصل قصاص» در جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص با شرایطی مورد پذیرش قرار گرفته است، ولی همواره شارع مقدس به عفو و گذشت نسبت به قصاص توصیه و تأکید داشته و با وعده پاداش اخروی برای عفو کنندگان، عفو را برتر و افضل از اجرای قصاص دانسته است. به عبارت دیگر، نظام حقوقی اسلام، در واکنش نسبت به این قبیل جرائم، دو اصل مهم عدالت و رحمت را مورد توجه و لحاظ قرار داده است.

📖 کتاب نامه:

- ۱- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- ۲- آخوندی، محمود، (۱۳۹۰). *آیین دادرسی کیفری*، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات صبح و نشر.
- ۳- آشوری، محمد (۱۳۹۵)، *آئین دادرسی کیفری*، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- ۴- آقاوردی، علی، (۱۳۷۰). «*موانع قصاص نفس در شریعت اسلام*» پایان نامه چاپ نشده، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۵- انصاری راد، رضا؛ (۱۳۷۷) «*حقوق جزای اسلام و مساله قصاص و دبه زن*»، روزنامه زن.
- ۶- امامی، سید حسن، (۱۳۴۰). *حقوق مدنی*، جلد اول، چاپ ششم، تهران، انتشارات اسلامیه.
- ۷- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۸- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۶۴). *ترمینولوژی حقوق*، تهران، گنج دانش.
- ۹- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۰). *وصیت و ارث*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۰- زراعت، عباس، (۱۳۷۹). *شرح قانون مجازات اسلامی*، جرایم عمدی علیه تمامیت جسمانی، قصاص، تهران، ققنوس، جلد اول.
- ۱۱- *قانون مجازات عمومی* مصوب ۱۳۰۴
- ۱۲- *قانون راجع به مجازات اسلامی* مصوب ۱۳۶۱.
- ۱۳- *قانون حدود و قصاص و دیات* مصوب ۱۳۶۱.
- ۱۴- *قانون مجازات اسلامی* مصوب ۱۳۹۲.
- ۱۵- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۸۷). *المیزان*، ترجمه: سید محمدباقر موسوی. چاپ ۲۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۶- کرمی، محمدباقر، (۱۳۷۷). *مجموعه استفتانات فقهی و نظریات اداره حقوقی راجع به قتل*، تهران، فردوسی.